

بزه پوشی و تأثیر آن در پیشگیری از انحراف ثانویه

الهام جعفرپور صادق* اعظم عدالت جو**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۴

چکیده

برچسب زنی، یکی از عواملی است که منجر به بروز «انحراف ثانویه» از سوی مرتکب شده، تکرار جرم را افزایش می‌دهد. سیاست «بزه پوشی»، دقیقاً در نقطه‌ی مقابل «برچسب زنی» واقع شده است، بنابراین همان قدر که برچسب زنی منجر به انحراف ثانویه می‌شود، بزه پوشی از آن جلوگیری می‌کند. در این مقاله، سعی بر آن است که اهمیت بزه پوشی در پیش‌گیری از انحراف ثانویه، از طریق پیش‌گیری از تغییر تصور فرد از خود، تغییر تصور جامعه از فرد و پیش‌گیری از خردانگاری بزه، مورد مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بزه پوشی - نظریه‌ی برچسب زنی - انحراف ثانویه

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران
** دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

در هر جامعه‌ای که عده‌ای دور هم جمع می‌شوند، برای ادامه‌ی حیات در مقطعی چه به صورت قانون و چه به صورت نانوشته در قالب عرف و عادت، یکدیگر را مقید به رعایت یک سلسله قواعد می‌کنند و هر شهروندی دارای حقوق و تکالیفی است. حقوق نسبت به کدخدا، دولت و غیره و تکلیف نسبت به جامعه، دولت و غیره. اگر جامعه، مانند دایره‌ای باشد، در گام اول وضع مقررات، قانون گذاری و ارزش گذاری وجود دارد که در لسان امروزی به آن دوره‌ی قانون گذاری گفته می‌شود. بعد از این مرحله، در گام دوم عده‌ای از جامعه، همواره منافع خود را برعکس اکثریت، در نقض مقررات و قوانین می‌دانند و با نقض قوانین و مقررات، منافع خود را تأمین می‌کنند. حال اگر مقررات دارای ضمانت اجرای کیفری باشد، نقض آن، «جرم» نامیده می‌شود، جامعه نمی‌تواند اجازه بدهد که موارد نقض مقررات کیفری شیوع پیدا کند، پس در گام سوم، جامعه واکنش نشان می‌دهد. این واکنش یا در گام اول، پیش بینی شده‌یا خود جوش است. این مراحل سه گانه، با هم در ارتباط هستند، بر هم تأثیر و تأثر دارند و در تعامل با هم متحوّل می‌شوند؛ مثلاً اگر تعداد جرایم در قانون افزایش یابد، تعداد مجرمین و واکنش‌ها نیز افزایش می‌یابد.

حال، اگر بپذیریم که این سیکل جنایی از سه پدیده‌ی قانون گذاری، جرم و واکنش اجتماعی، تشکیل شده و این سه ساز و کار در تعامل با هم هستند، می‌توان نتیجه گرفت که برای علّت شناسی جرم، باید در جرم شناسی نیز، دامنه‌ی مطالعات خود را باز کرده و اگر مطالعات، تاکنون روی جرم و یا مجرم بوده است، از این به بعد باید به چگونگی قانون گذاری و مراحل جرم انگاری از یک سو و پاسخ‌های جامعه، از سوی دیگر، نیز توجه کرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۹۷۷ و ۹۷۶) از این رو، در این نوشتار، گام سوم یعنی «پاسخ‌های جامعه» و یا «کنترل اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است. کنترل اجتماعی عبارت است از: «فرآیندی که از طریق آن، رفتار شخص یا اشخاصی

که از مرتبه‌ی رعایت هنجار عدول کرده، دوباره به همان مرتبه اعاده داده می‌شود و هر گاه به کلی از هنجار عدول کند، دوباره به رعایت کامل هنجار سوق داده می‌شود. (غفاری فر، ۱۳۸۱:۹۳)

از آن جا که، گاه کنترل‌های اجتماعی جرم نیز به خودی خود به جرم دامن می‌زند، مطالعه‌ی مجازات و واکنش علیه جرم، کارایی مجازات‌ها و انواع کنترل اجتماعی جرم، موضوع مطالعه‌ی جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. (نجفی ابرندآبادی، پیشین) در این راستا، نظریه‌ی برچسب زنی واکنش‌های جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد (arrabine and others, ۲۰۰۹:۹۴) و بیان می‌دارد که واکنش‌های اجتماعی می‌توانند جرم را افزایش دهند. (Plummer: ۱۹۱)

در این دیدگاه، جرم پدیده‌ای عینی نیست و پیامد گونه‌هایی خاص از کنش متقابل در میان انسان‌ها به حساب می‌آید (وایت و هینز، ۱۳۸۶:۱۸۰) و منظور از این کنش متقابل، ارتکاب جرم از سوی مجرم و واکنش جامعه (کنترل اجتماعی) در پی آن است؛ یعنی اگر چه کنترل اجتماعی، در تئوری توان اعمال قدرت، هدایت و بازداشتن دیگران، تعریف می‌شود؛ آثار احتمالی برچسب زنی، موجب ایجاد شکاف میان تعریف کنترل اجتماعی در سخن و کارکرد واقعی آن در عمل می‌شود (Grattet, ۲۰۱۱:۱۸۵). توضیح آن که، نظریه برچسب زنی بر مطالعه‌ی واکنش اجتماعی نسبت به رفتار دیگران متمرکز شده است؛ زیرا چنین می‌انگارد که این واکنش با وقوع مکرر اعمالی که اجتماع آن را غیرقابل پذیرش اعلام کرده است، مرتبط است. این نظریه بر اهمیت ضمانت اجراهای منفی جامعه که براساس این رویکرد، افراد را دوباره مجبور به انجام اعمال مجرمانه و منحرفانه می‌کنند، تأکید می‌کند. اگر چه نظریه‌ی برچسب زنی با مشارکت گروه زیادی از نویسندگان توسعه یافت؛ اما «ادوین لمرت» (Lemert, M. Edwin) و «هوارد بکر» (Beker, s. Howard) معمولاً به عنوان نمایندگان اصلی و بنیان‌گذاران این نظریه شناخته می‌شوند. «بکر»، مراحل برچسب زنی را به این ترتیب تعریف می‌کند: «گروه‌های اجتماعی با ایفای نقش‌هایی که شکستن آن‌ها

بزه پوشی و تاثیر آن در پیشگیری از انحرافات
ثانویه..... ۴

منجر به انحراف می‌شود، انحراف می‌آفرینند و با اجرا و اعمال آن نقش‌ها بر افرادی معین و برچسب زدن به آن‌ها، ایشان را «منحرف» معرفی می‌کنند. از این نقطه نظر، انحراف، کیفیت ویژه‌ای از رفتار نیست که یک فرد مرتکب می‌شود بلکه نتیجه‌ی اعمال قواعد و ضمانت‌اجراهایی است که بر یک «مجرم» تحمیل می‌شود. منحرف کسی است که بر او چنین برچسبی به نحو موفقیت آمیزی چسبانیده شده است. (غلامی، ۱۳۹۰: ۲۸۵ و ۲۸۴)

در واقع، همین احتمال جرم زایی کنترل‌های اجتماعی، از دلایل مهم تأکید بیشتر مذهب بر کنترل درونی نسبت به کنترل بیرونی است؛ به این شکل که مذهب خود را بیشتر به «نیت درونی» سرگرم می‌کند (لوی برول، ۱۳۷۶: ۴۹) بر همین اساس در حقوق اسلام نیز کنترل درونی از طریق معرفت و ایمان به توحید، نبوت، معاد و ... مورد تأکید قرار می‌گیرد و در مقابل کنترل بیرونی محدود می‌شود؛ چرا که دو ویژگی سیاست جنایی اسلام، شامل «گسترده‌گی جرایم قابل گذشت» و «ترجیح خطاپوشی» موجب عدم تعقیب بخشی از جرایم می‌باشد (اکرمی، ۱۳۸۹: ۳۱).

از آن جا که از میان دو ویژگی مذکور سیاست جنایی اسلام، «ترجیح خطاپوشی یا بزه پوشی» که در جهت ترک تعقیب است (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۶۹)، در نقطه‌ی مقابل برچسب زنی قرار می‌گیرد، بررسی آن و تعیین نحوه و میزان تأثیر آن در پیشگیری از انحراف و جرم، خالی از فایده نیست و موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.

۲. مفاهیم

۱-۲. مفهوم بزه پوشی

بدون تردید، بسیاری از روش‌های دادرسی کیفری نمی‌تواند از تأثیر نگرش‌های مختلف نسبت به جرم و مجازات به دور بماند. تلقی خاصی که مصادیق جرم را منحصر در رفتارهای زیان باری می‌داند که به دلیل تعارض فرد با گروه و «ضد

بزه پوشی و تاثیر آن در پیشگیری از انحرافات ثانویه.....^۵

اجتماعی» بودن آن ممنوع شده‌اند، لزوماً «کیفر» را به عنوان واکنشی صرفاً اجتماعی در برابر عمل ضد اجتماعی برای ترمیم خسارت وارده به منظور پاسخ به انتظارات عمومی قلمداد خواهد کرد. از این دیدگاه کشف جرم و تعقیب مجرم یک ضرورت اجتماعی در دفاع از منافع جامعه شمرده شده و امکان ترک تعقیب نیز منحصرأً مبتنی بر بهره‌ی اجتماعی آن قابل توجیه است. به علاوه، برداشتی که حاکی از موقعیت مؤثر کیفر و تکیه بر اهرم‌های رسمی پیش بینی شده در حقوق جزا به عنوان مهم‌ترین ابزار مقابله با بزه کاری است. گرایش جدی به کشف و اثبات جرم و نیز اجرای حتمی کیفر را موجب می‌گردد. لکن، از دیدگاهی دیگر، چنانچه جرم، موجب خروج از ضوابط و تجاوز به ارزش‌هایی باشد که با ارتکاب آن منافع آن منحصرأً و لزوماً به طور مستقیم هدف قرار نمی‌گیرد مبارزه با بزه کاری نیز، ضرورتاً به صورت «واکنش اجتماعی» و به عنوان برآیند انتظارات عمومی نخواهد بود. مضافاً این که، باور ناتوانی کیفر و ضعف کارایی آن در دستیابی به اهداف واکنش‌های جزایی، تمایل به عدم تمسک به کیفر را برمی‌انگیزد. نگرش ویژه‌ای که در حقوق اسلام، نسبت به کنش و واکنش‌های جزایی وجود دارد موجب شده است که در سیاست جنایی اسلام، عکس العمل‌های کیفری تنها طریق مبارزه با بزه کاری تلقی نشده، حتی راه‌های مناسب و کارآمد نیز شناخته نشود و از این رو، صورت‌های مختلف و گسترده‌ای در گریز از اجرای واکنش‌های جزایی پیش بینی و در جهت دفع کیفر تلاش شده است.

این تمایل در مراحل مختلف دادرسی و قبل از آن نیز متجلی است، به طوری که گاه انحراف جریان رسیدگی‌های جزایی از مسیر رسمی آن و عدم طرح پرونده در محکمه مورد تأکید قرار می‌گیرد. برخلاف گرایش جدی و متعارفی که نظام‌های حقوقی دیگر، در کشف جرم و تعقیب مجرم دارند، مخفی داشتن و نهان سازی جرم، روشی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام، مطرح است. سعی در بزه پوشی و جلوگیری از افشای جرم براساس مدارک و ادله‌ی موجود در کتاب و سنت، مورد تأیید حقوقدانان اسلامی بوده، آن را از ابعاد و جنبه‌های مختلف، دارای

اهمیتی قابل توجه دانسته‌اند. نهان سازی جرم و جلوگیری از افشای زشتی‌ها، متأثر از نگرش خاصی است که نسبت به مفاهیم، تأسیسات و نهادهای حقوق جزا وجود داشته و خطوط برجسته‌ی سیاست جنایی اسلام را شکل می‌دهد. از آن جمله سیاست کیفرزدایی که مبتنی بر تردید بر کارایی مجازات، مورد توجه نظام عدالت جنایی در حقوق اسلام قرار گرفته است. در ضمن تأکید بر جنبه‌های اخلاقی پیگردهای جزایی و رعایت مصالح عمومی، می‌تواند به عنوان برخی از مبانی بزه پوشی مورد توجه قرار گیرد. (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۶۳ - ۱۶۱)

بنابراین دین مبین اسلام، سال‌ها پیش با درک آثار سوء برچسب زنی، «بزه پوشی» را در سیاست جنایی خود پیش بینی کرده است و خصوصاً به حفظ آبرو و کرامت نفس انسان‌ها و جلوگیری از ایجاد تصور منفی از فرد در جامعه توجه داشته است.

در واقع، توصیه‌ی دین به خودداری از غیبت، تهمت، تجسس، به کاربردن لقب‌های زشت برای دیگران، روایت کردن علیه کسی (داستان سرایی) استهزا، سرزنش، اهانت کردن و ... (طوسی، پیشین، ۱۱۶)

برای جلوگیری از انگ خوردن فرد و لکه دار شدن آبروی او در انظار عمومی است و این امر خود لزوم تأکید بر «بزه پوشی» را آشکار می‌سازد.

علاوه بر این‌ها، دین مبین اسلام هرگز هیچ گناه کاری را اجبار به اعتراف به گناه نکرده و برای بخشش گناهان، توبه‌ی قلبی گناه کار را کافی می‌داند تا هم آثار گناه زایل شود و هم آبروی گناه کار در امان باشد. هم چنین نهاد کفاره در اسلام نیز، با تکیه بر خودکفیری، به دنبال رفع آثار گناه توسط خود گناه کار و جلوگیری از افشای گناه است. چنین سیاستی در برخورد با بزه، اصطلاحاً «بزه پوشی» نامیده می‌شود. که دقیقاً در نقطه‌ی مقابل سیاست‌های کیفرگرا و نیز برخی روش‌های واکنش جامعه در مقابل جرم، که منجر به برچسب خوردن بزه کار می‌شوند، قرار می‌گیرد.

فرق میان انحراف اولیه و انحراف ثانویه، نخستین بار از سوی ادوین لمرت (Edwin M. Lemert) در کتاب آسیب شناسی اجتماعی، (۱۹۵۰) مطرح گردید و در کتاب دیگر وی تحت عنوان «انحراف انسان، مشکلات اجتماعی و کنترل اجتماعی» (۱۹۷۲) مورد بررسی دقیق واقع شد. (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۲۳۱)

از دیدگاه او، انحراف اولیه رفتار مجرمانه‌ای است که در بستریک خود - انگاره‌ی نامجرمانه به علل مختلف زیستی، روان شناختی و جامعه شناختی روی می‌دهد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳: ۱۵۸) و می‌توان آن را ناشی از شخصیت واقعی فرد مرتکب دانست (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷: ۴۲۶)

در مقابل، انحراف ثانویه، رفتار مجرمانه‌ای است که در بستریک خود - انگاره‌ی مجرمانه که برچسب جامعه و مقامات رسمی به فرد القا کرده‌اند، روی می‌دهد؛ یعنی انحراف ثانویه، رفتار مجرمانه‌ای است که شخص به خاطر یا در واکنش به یک برچسب که جامعه برای او به کار می‌برد، مرتکب آن می‌شود. (See. ۲۰۰۴: ۲۵) و در واقع، پاسخی به واکنش جامعه، در مقابل انحراف اولیه است که با تغییر خود - انگاره‌ی فرد از غیره بزه کار به بزه کار، روی می‌دهد. (Hamlin, ۲۰۰۹: ۳).

بنابراین، واکنش جامعه نسبت به انحراف اولیه، برچسب «بزه کار» به مرتکب می‌زند و احتمالاً او را به سوی انحراف ثانویه، سوق خواهد داد.

از دیدگاه طرفداران نظریه‌ی برچسب زنی، انحراف «خاصیتی» است که به برخی اشکال رفتار اطلاق شده و به وسیله‌ی تماشاچیان و ناظران آن در جامعه، به عنوان خطرناک، آشوب، مزاحمت، تحریک و... مورد قضاوت قرار می‌گیرد و بنابراین، ممکن است مجازات‌های خاصی را نسبت به مرتکبان نیز به دنبال داشته باشد. از این دیدگاه، انحراف به عنوان یک امر اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفته است به گونه‌ای که اولاً یک ناظر، رفتار خاصی را تحت چنین عنوانی تفسیر کرده و افرادی که این وضعیت را از خود نشان داده‌اند به عنوان «نابهنجار» توصیف می‌کند و ثانیاً، نسبت به آن وضعیت، پاسخ‌هایی را ارائه می‌دهد. کسی که به انتهای این فرآیند رسیده، تحت عنوان «مجرم» با

تحت سایر انواع طبقه بندی‌های انحراف، مورد خطاب قرار گرفته، مشمول واکنش‌های خاصی واقع می‌شود، چنین واکنش‌هایی در واقع مهم‌ترین علت استمرار فعالیت مجرمانه‌اند (غلامی، پیشین: ۱۸۶) که با انحراف ثانویه آغاز می‌گردد و به سوی انحراف بعدی، پیش می‌رود.

۳. نحوه‌ی تأثیر برچسب زنی بر وقوع انحراف ثانویه

همان طور که ذکر شد، «انحراف ثانویه» طبق نظریه‌ی برچسب زنی، غالباً در نتیجه‌ی برچسبی که به عنوان «مجرم» یا «منحرف» به فرد چسبانده می‌شود، اتفاق می‌افتد، بنابراین، به نظر می‌رسد، سیاست «بزه پوشی» که، نقطه‌ی مقابل برچسب زنی است، نقش غیرقابل انکاری در جلوگیری از «انحراف ثانویه» داشته باشد؛ چرا که در واقع بزه پوشی همان برچسب نزدن است و برچسب نزدن بر فرد یعنی همان نهان ساختن بزه ارتكابی او.

با توجه به این که، براساس نظریه‌ی لمرت فرد برچسب خورده در نتیجه‌ی برچسبی که می‌خورد، رفتار او را در تطابق با واکنش اجتماعی، دوباره سازمان دهی می‌کند و به کار گرفتن رفتار کجروانه‌اش را آغاز می‌کند (تغییر خود انگاره او از غیر مجرمانه به مجرمانه) یا نقش خود را به عنوان یک وسیله‌ی دفاع و حمله بر آن استوار می‌کند و یا با مشکلات پنهان و آشکاری که به وسیله‌ی واکنش‌های اجتماعی بعدی برای او درست می‌شوند انطباق می‌یابد (ابادینسکی، ۱۳۸۲: ۴۳)

به این ترتیب، برچسب‌ها معمولاً از طریق تغییر تصور فرد از خود، تغییر تصور جامعه از فرد و رفتار افراد در مقابل او می‌توانند منجر به ارتكاب انحراف ثانویه از سوی بزه کار شوند، در ضمن خرد انگاری بزه از طریق برچسب را نیز می‌توان به این موارد افزود؛ اما سیاست بزه پوشی با جلوگیری از برچسب زنی از ایجاد این موارد و منجر شدن آن‌ها به جرم جلوگیری می‌کند.

۳-۱. برجسب زنی و تغییر تصور فرد از خود

تلقین و تصور، از شاخه‌های فکر می‌باشند و اثر تصور، به مراتب بالاتر از تلقین است و در اصل تلقین در صورتی مؤثر است که تصور و باور را در شخص به وجود آورد که البته به مرور، این اتفاق خواهد افتاد. در حقیقت، تلقین، مقدمه‌ای برای بوجود آمدن تصور و باور است.

هر انسانی، آن طور عمل می‌کند و عکس العمل نشان می‌دهد که تصور می‌کند، آن طور است. اگر شخصی تصور کند که دارای حافظه‌ی قوی و تمرکز فکر بالایی است، پس همان طور نیز می‌شود و این حالت را ضمیر ناخودآگاه باعث می‌شود؛ چرا که مداومت در این تصور موجب می‌شود که ضمیر ناخودآگاه آن را به عنوان واقعیت بپذیرد، در خود ضبط نماید و باعث به وجود آمدن آن صفت به طور واقعی گردد.

تلقین یک عامل مهم در تغییر رفتار و شخصیت انسان و واقعیتی ملموس است نه یک امر باطل و واهی. همه‌ی انسان‌ها به نوعی تحت تأثیر تلقینات می‌باشند و این تلقینات یا از طرف خودشان است و یا از طرف دیگران. در واقع، هر فکری که به ذهن اثر کرده و مورد قبول واقع شود «تلقین» است. (اسلامی، ۱۳۸۹: ۹۵ - ۹۳)

به این ترتیب، مداومت در مجموعه تلقینات مثبت و منفی که هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تصور آن انسان از خویش را می‌سازد.

انسان، تا حد زیادی (اگر نگوئیم کاملاً) تحت تأثیر تصویری قرار دارد که او از خویش ساخته است.

حال خطر «برجسب زنی» به عنوان عاملی که تصور فرد را از خویش تغییر می‌دهد، آشکار می‌گردد، برجسبی که جامعه به مرتکب رفتار مجرمانه می‌زند، خود - انگاره‌ی نامجرمانه‌ی شخص را مورد حمله قرار می‌دهد. (ولد و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۰۲)

جامعه به او تلقین می‌کند که «مجرم» است، ابتدا، ذهن فرد این تلقینات را نمی‌پذیرد و تبدیل به تصور نمی‌کند؛ چرا که این تلقینات برخلاف تصویری است که فرد تاکنون به

عنوان «غیر مجرم» از خود داشته است؛ اما، بالاخره مقاومت خود - انگاره‌ی نامجرمانه تمام شده و فرد خود - انگاره‌ی مجرمانه را می‌پذیرد و با تصور خود به عنوان یک «مجرم»، مسیر دیگری را آغاز می‌نماید. به عنوان «مجرم» رفتار «مجرمان» را در پیش می‌گیرد.

انسان، تا خود را شبیه به گروهی نماید و خصوصیات آن دسته را به خود تلقین کند، به زودی شبیه آن‌ها می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اگر تلاش و کوشش نداری، خود را به قیافه‌ی آنان که صابر و با استقامت هستند درآور، زیرا خیلی کم می‌شود که انسان خود را شبیه به جمعیتی درآورد و در زمره‌ی آنان قرار نگیرد». (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳) این حدیث زیبا نشان دهنده‌ی قدرت تلقین و تصور می‌باشد و بیان گر این است که هر انسانی می‌تواند با تلقین و تصور به هر حالت و صفتی دست یابد و اراده‌ی آن عمل را نیز در خود به وجود آورد. پس با تلقینات منفی می‌توان بسیاری از نقاط مثبت را از بین برد و نقاط ضعف به وجود آورد. (همان: ۹۶)

تأکید نظریه‌ی برچسب زنی بر این امر که، افراد ممکن است، نسبت به وضعیت جدیدی که دیگران، به عنوان «مجرم» بر آن‌ها تحمیل می‌کنند، احساس تعهد کنند. (Ascani, ۲۰۱۲: ۸۱) و براساس همان برچسبی که خورده‌اند و به تقلید از آن عمل نمایند.

(Mcloughlin and Muncie, ۲۰۰۱: ۱۵۹) بیان گر همین اثر روحی برچسب، بر فرد برچسب خورده است و این همان چیزی است که دین مبین اسلام، هزار و چهارصد سال پیش به آن توجه کرده و با درپیش گرفتن سیاست بزه پوشی، از ایجاد برچسب‌ها و عواقب آن‌ها پیش‌گیری کرده است.

۲-۳. برچسب زنی و تغییر تصور جامعه از فرد

از خطرات دیگر برچسب‌ها برای مرتکبین رفتار مجرمانه و منحرفانه، تغییر تصور جامعه نسبت به آن‌ها و رفتار جامعه با شخص براساس درون مایه‌ی برچسبی که به او

خورده است، می باشد.

به عبارت دیگر، مردم، معمولاً از برچسب‌های شناخته شده برای افراد، استفاده می کنند که ممکن است در مورد فرد صادق باشد یا نباشد. این فرآیند باعث می شود رفتار مردم و تعاملات آن‌ها با فرد برچسب خورده دچار تغییر شود. (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

بنابراین، مردم جامعه برچسب‌ها را باور می کنند، این امر حتی در مورد نیروهای پلیس نیز صدق می کند به طوری که جامعه شناسان معتقدند: این که پلیس رفتار فردی را مجرمانه تلقی کند ممکن است بستگی به برچسبی داشته باشد که به مجرم می زند. یک مطالعه‌ی آمریکایی که چمبلیس (Chambliss) انجام داده، دو گروه نوجوان را بررسی کرده است: یکی از طبقه‌ی کارگر (معروف به اوباش) و دیگری طبقه‌ی متوسط (غیر بزه‌کار) علی رغم این که معصومین بزه‌های بیشتر و شدیدتری مرتکب شدند، برای پلیس تصویر جوانان بزه کار را ایجاد نکردند و توانستند فعالیت‌های خود را به عنوان مسخره بازی‌های بی آزار ارایه دهند. آن‌ها باین که بازداشت شدند، هرگز متهم نشدند و در نتیجه‌ی کارهایشان به عنوان جرم، ثبت نشد. (الیت و کوئین، ۱۳۸۷: ۳۷ و ۳۶)

به این ترتیب، واکنش اجتماعی به ویژه «کیفر» مرتکب را در جامعه دچار مشکل می کند، مردم همه‌ی کارهای او را با عینک بدبینی نگاه می کنند، رفتار خوبش را بد و حضورش را خطرناک تلقی می کنند. این مسأله «آبروی» فرد را از بین می برد و همین بی آبرو شدن فرد از یک سو باعث کینه توزی او نسبت به جامعه و روی آوری به «انحراف ثانویه» می گردد؛ به همین دلیل دکتر کی نیا در کتاب مبانی جرم شناسی متذکر شده است که کیفر، به ویژه زندان و ندامتگاه، آبرویی برای فرد خاطی باقی نمی گذارد و فرد بی آبرو برای جامعه بسیار خطرناک است. (کی نیا، ج ۱، ۱۳۸۶: ۳۵)؛ چرا که بدبختانه احساس بیگانگی بزه کار از اجتماع در فرآیند عدالت کیفری و تجربه‌ی تحمل زندان سخت تر و شدیدتر می شود. (زهر، ۱۳۸۸: ۴۷)، او برای انتقام از جامعه‌ای که بی

رحمانه او را طرد کرده است، هراسی نخواهد داشت، از سوی دیگر، از آن جا که بی آبرو شدن بزه کار کرامت انسانی و اعتماد به نفس او را زایل می کند، فرد حقیر و طرد شده نه انگیزه ای برای هم نوایی با جامعه ی بی رحم در خود می یابد و نه اعتماد به نفسی برای این امر؛ او در میان فشارهای درونی خود عذاب می کشد و هیچ راهی برای فرار از این فشارها نمی یابد جز پناه بردن به عالم بزه کاران؛ چرا که در واقع، انسان ها، همگی در درون خویش نیاز مبرمی به این دارند که مورد پذیرش دیگران قرار بگیرند و احساس کنند که مفیدند (مقدسی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۳) و این امر به آن ها اعتماد به نفس می دهد و آن ها را به «خودباوری» می رساند، تا زمانی که فرد به «خودباوری» نرسد و به خود اعتماد نکند نمی تواند درست زندگی کند. (حسن نژاد طرنجی، ۱۳۸۵: ۶۷) وقتی جامعه، دیگر فرد را به عنوان یک عضو مفید نمی شناسد در نتیجه، فرد به اجتماعی روی می آورد که او را بپذیرند و مفید بدانند. به این ترتیب، برای رهایی از فشار درونی خود به جامعه ی بزه کاران می پیوندد. شاید این سخن «آدلر» شامل این دسته از مجرمین نیز باشد. او می گوید: «بزه کار ترسویی است که مسیر خود را از برابر مسایل زندگی منحرف می کند و به عالم بزه کاری می گریزد». (تاجدینی، ۱۳۶۸: ۶۸)

در واقع مسایل زندگی بزه کاران مورد بحث ما که آن ها را به بزه کاری سوق می دهد، تماماً مسایلی هستند که «جامعه» پس از برچسب زدن بر او، برایش به وجود می آورد. مسایلی که تحمل آن ها از توان او خارج می شود.

۳-۳. برچسب زنی و خرد انگاری بزه

یکی از آثار سوء برچسب زنی خرد انگاری بزه در پی شیوع آن به واسطه ی برچسب هاست. وقتی که بزه، در نتیجه ی برچسب زنی شیوع می یابد، ناخواسته قباحات آن در دید عموم کاهش خواهد یافت. کشف و آشکار شدن جرم غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است که این امر با توجه به انتشار مکرر اخبار وقوع آن، ضعف حساسیت های عمومی را نسبت به جرم در پی خواهد داشت. خطر «عادی شدن» جرم

علاوه بر تزلزل «احساس امنیت» در جامعه و شیوع ترس از جرم - که مبتنی بر احتمال بزه دیده واقع شدن هر شهروندی است - غیر قابل اغماض و چشم پوشی است. عادی شدن جرم وحشتناکترین پدیده‌ایی است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند. از این رو دردین، اشاعه زشتی و بازگو کردن معاصی چنانچه با علم به آثار سوء آن باشد با واکنشی شدید مواجه شده است:

«این الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنو لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره والله یعلم و انتم لا تعلمون.»

« آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و شما نمی‌دانید.»

در این راستا نصوص روایی بسیاری بر نهان سازی زشتیها دلالت داشته و مؤکداً توصیه بدان کرده‌اند. از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص به اجرا گذارد.

پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام اعمال نیک در او بیشتر شود. پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه بازگردد. و ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف به خرج دادن.

در کتب اخلاق دینی اظهار عیوب لغزش‌های دیگران در زمره خصوصیات سوء و ناشایست فرد و نشانه زشتی نفس عیب جو قلمداد شده است.

علاوه براین، برچسب زنی باعث خرد انگاری بزه در نزد خود مرتکب نیز خواهد شد؛ چرا که مرتکب جرم، محتوای برچسب را در مورد خود باور می‌کند و بزه ارتكابی در نزد او عادی جلوه کرده، قباحت خود را از دست می‌دهد.

به این ترتیب، خرد انگاری بزه، زمینه‌ی تزلزل نظام ارزشی جامعه و فروپاشی ضوابطی را که تکیه گاه روابط اجتماعی است، فراهم می‌کند - هر چند جرم با واکنش‌های مکرر کیفری همراه باشد - این خطر بزرگ که ورشکستگی نظام جزایی در جریان مبارزه با تبه‌کاری، ثمره‌ی بلا تردید آن خواهد بود، به هیچ روی نمی‌تواند مورد

بی توجهی و مسامحه قرار گیرد. تمایل جدی قانون گذار اسلامی در عدم اثبات موجبات کیفر - در بسیاری موارد - و جلوگیری از اجرای مکرر مجازات، ناشی از توجه به آثار سوء اخلاقی است که اعمال گسترده کیفر در جامعه، بر جای خواهد گذاشت.

بنابراین، شیوع و شهرت یافتن منکرات نه فقط به کم رنگ شدن قباحت جرم و «کوچک شماری بزه» خواهد انجامید، بلکه اجرای مکرر کیفر همچنین به «عادی شدن مجازات» و «تحقیر کیفر» منتهی خواهد شد و در نهایت، نقش ارعابی مجازات که در سیاست جنایی اسلام، بر آن تأکید شده است، تضعیف و بدون اثر می‌گردد. (صادقی، پیشین، صص ۱۶۹ - ۱۶۸) این امر، از علل تأکید زیاد سیاست جنایی اسلام بر «بزه پوشی»، برای استفاده از مزایای آن است.

۴. تاثیر بزه پوشی در پیش گیری از انحراف ثانویه

واضح است که مهم ترین اثر بزه پوشی در پیش گیری از انحراف ثانویه از طریق پیش گیری از برچسب خوردن بزه کار است. سیاست بزه پوشی، اصراری بر آشکار شدن بزه و مجازات مرتکب آن توسط جامعه ندارد، هر جرمی را شایسته افشا و هر مجرمی را مستحق مجازات جامعه نمی‌داند چراکه به اثرات منفی برچسبها توجه دارد. در واقع سیاست بزه پوشی با جلوگیری از برچسب خوردن بزه کار، از تغییر تصور فرد از خود، تغییر تصور جامعه از فرد و خردانگاری بزه در نزد مرتکب و جامعه و در نتیجه از وقوع انحراف ثانویه پیش گیری می‌کند.

همان طور که ذکر شد، توبه و کفاره از نهادهایی هستند که دین مبین اسلام، با بکارگیری آنها، سیاست بزه پوشی را دنبال می‌کند. برای بررسی تاثیر بزه پوشی در پیش گیری از انحراف ثانویه، نگاهی به این دو نهاد، خواهیم داشت.

همان طور که ذکر شد توبه، نهادی است که دین از طریق آن سیاست بزه پوشی را تعقیب می کند.

توبه از مهم ترین آموزه های تربیتی و اخلاقی است که آثار بی شمار و ره آورد گرانبها و بی آمدهای مثبت فراوانی دارد از جمله این آثار می توان به بازیابی شخصیت گناه کار اشاره کرد، در واقع انسانی که مرتکب گناهی شده است، چه بخواهد و یا نخواهد احساس سرشکستگی می کند؛ اگر متولیان تربیت او را ملامت و تحقیر کنند، (آن چه در برچسب زنی اتفاق می افتد) این احساس بیشتر می شود و اگر ملامت ها ادامه یابد، ممکن است به آن جا برسد که کاملاً احساس کند شخصیت خود را از دست داده است و در این صورت است که به شدت وجود او برای خانواده و جامعه خطرناک خواهد شد و ممکن است دست به گناه و هر جنایتی بزند؛ (وقوع انحراف ثانویه) چون او احساس می کند همه چیز را از دست داده است. منابع دینی مخصوصاً قرآن تلاش می کنند که با توبه و اظهار ندامت پنهانی شخصیت گناهکار را بازسازی کنند و او را به حالت اول بلکه بالاتر از آن برگردانند؛ لذا قرآن از یک طرف می فرماید: «خداوند توبه کاران را دوست می دارد.» و از طرف دیگر، به مردم گوشزد می کند که خلاف کاران اگر برگشتند، برادران دینی شما هستند «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ؛ اگر توبه کنند و نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند، برادران دینی شما هستند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ؛ توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه ندارد.»

علاوه بر این، قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ به راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می دارد.»

خود اظهار دوستی از مقام برتر علاوه بر این که افتخاری است برای محبوب و باعث بازیابی شخصیت گناهکار می شود، برد تربیتی و سازندگی مهمی دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ تَائِبٍ أَوْ

مُؤْمِنَةٌ تَائِبَةٌ؛ چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از مرد مؤمن توبه‌کار و زن مؤمن توبه‌کننده نیست.» اثر دیگر توبه، بخشیده شدن گناهان انسان گناهکار است. قرآن کریم می‌فرماید: «توبوا إلى الله عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم؛ [ای مؤمنان!] به سوی خدا توبه کنید... امید است خداوند گناهان شما را ببوشاند.»

در ضمن، اگر توبه‌ی واقعی انجام گیرد، خداوند علاوه بر نابودی گناهان، آنها را تبدیل به نیکی و حسنات می‌کند؛ چنان که می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده مهربان بوده است.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد: «يا داوودُ إِنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ رَجَعَ وَتَابَ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَاسْتَحْيَى مِنِّي عِنْدَ ذِكْرِهِ غَفَرْتُ لَهُ وَأَنْسَيْتُهُ الْحَفْظَةَ وَأَبْدَلْتُهُ الْحَسَنَةَ؛ وَ لَا أُبَالِي وَ أَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛

ای داوود! به راستی بنده مؤمن هر گاه گناهی انجام دهد، سپس برگردد و از آن گناه توبه کند، و هنگام یاد آن گناه از من حیا کند، گناه او را می‌بخشم و کاری می‌کنم که حافظان (نویسندگان) آن را از یاد ببرند و آن گناه را به حسنه تبدیل می‌کنم و از کسی باکی ندارم، در حالی که من مهربان‌ترین مهربانان هستم.» (خرمی، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

به این ترتیب، دین توبه را برای بازگشت گناه‌کار به شرایط روحی قبل از گناه قرار می‌دهد و نه تنها برای برچسب خوردن و مجازات او اصراری ندارد، بلکه با بالا بردن مقام توبه‌کننده، از برچسب‌هایی که ممکن است در آینده، توسط جامعه به او چسبانیده شود، جلوگیری می‌کند. پس توبه هم بزه را می‌پوشاند هم آثار آن در تغییر تصور فرد از خود و تغییر تصور جامعه از فرد را از بین می‌برد.

کفاره یکی دیگر از نهادهایی است که دین اسلام، در پی گیری سیاست بزه پوشی به کار می‌گیرد. در واقع کفاره، از واژه‌ی «کفر» به معنی پوشش و پرده گرفته شده است و در اصطلاح، عملی می‌باشد که به وسیله‌ی آن زشتی گناه پوشیده می‌شود. در واقع از آن جا که جرم، ضمیر انسان را می‌آلاید و آشفته می‌سازد گناه کیفر برای ترمیم این آشفستگی ضروری است، در این مواقع دین اسلام با پذیرش کفاره، گناه کار را به نوعی خودکفیری ترغیب می‌کند تا از این طریق، از افشای گناه او نزد دیگران جلوگیری کند. پوشش گناه و آثار آن در بسیاری از منابع دینی مورد توجه قرار گرفته است، برای نمونه امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر نخعی می‌فرماید:

وَ لِيَكُنْ أَبَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنُوهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ غُيُوبًا أَوْلَىٰ أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ

و بین مردم با کسی از همه بیشتر دشمن باش که در عیب جویی مردم اصرار دارد زیرا مردم عیب‌هایی دارند که شخص حاکم برای پوشاندن آنها سزاوارتر است. بنا بر این آن چه از بدی‌های مردم بر تو پوشیده است پی‌جویی مکن بلکه آن عیوبی هم که آشکار است باید بپوشانی.

وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَىٰ مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ

و داوری در باره آن چه که از تو پنهان است با پروردگار خواهد بود پس تا آن جا که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا خداوند نیز عیب‌هایت را که دوست داری از چشم مردم پنهان باشد، بپوشاند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

کفاره یکی از راه‌های پوشاندن گناه و آثار آن است که توجه به آن بیان گر اهمیت توجه به بزه پوشی در دین اسلام است.

نتیجه گیری

امروزه تأثیرات منفی و سوء برچسب زنی که در نظریه‌ی برچسب زنی مورد تأکید قرار گرفته است، قابل انکار نیست. بررسی سیاست «بزّه پوشی» در نظام حقوقی اسلام، نشان می‌دهد که دین مبین اسلام، سال‌ها پیش، به اهمیت پیش‌گیری از برچسب زنی‌های بی‌مورد، توجه داشته است و با تأکید بر «بزّه پوشی» دقیقاً، در نقطه‌ی مقابل برچسب زنی عمل می‌کند.

سیاست بزّه پوشی، اصولاً برای همین در اسلام مورد تأکید قرار گرفته که از تأثیر منفی برچسب‌ها بر روان فرد و جامعه و نیز از خردانگاری بزّه و شکست سیاست جنایی در مبارزه با جرم، پیش‌گیری نماید.

بنابراین، آن چه امروزه تحت عنوان نظریه‌ی برچسب زنی از افکار بکر و لمرت و...درمی‌یابیم، درواقع همان چیزی است که سال‌ها پیش دین مبین اسلام به آن توجه کرده است و راه‌های پیش‌گیری از آن را مد نظر قرار داده است. این امر، باردیگر، قوت و کمال نظام حقوقی اسلام را می‌نمایاند.

منابع

۱. فارسی

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، چ ۲، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸

۳. ابادینسکی، هووارد، «جامعه شناسی مواد مخدر»، ترجمه محمد علی زکریایی، چ ۱، تهران، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۲

۴. اسلامی، عباس؛ «اعتماد به نفس (مانند عقاب باشیم)»، چ ۱، قم، انتشارات دیوان، ۱۳۸۸

۵. اکرمی، الهام؛ «سیاست جنایی اسلام: سزادهی یا بازپروری؟» دو ماه نامه تعالی حقوق، سال دوم، ش ۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۶

۶. الیت، کاترین و کوئین، فرانسیس؛ «حقوق جزا»، ترجمه آوا واحد نوایی و نسترن غضنفری، چ ۱، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷

بزه پوشی و تاثیر آن در پیشگیری از انحرافات
ثانویه..... ۲۰

۷. تاجدینی، علی؛ «احساس حقارت و تضعیف شخصیت»، ماه نامه رشد معلّم، ش ۵۷، خرداد ۱۳۶۸
۸. حسن نژاد طرنجی، زهره؛ «خودباوری را تجربه کن»، ماه نامه مقام موسیقایی، ش ۵۱، مهر ۱۳۸۵
۹. خرمی، جواد، «توبه در قرآن»، دو ماهنامه مبلغان، ش ۷۱، مهر و آبان ۱۳۸۴
۱۰. زهر، هوارد؛ «کتاب کوچک عدالت ترمیمی»، ترجمه دکتر حسین غلامی، چ ۲، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸
۱۱. سلیمی، علی، داوری، محمد؛ «جامعه شناسی کجروی»، چ ۴، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷
۱۲. صادقی، محمدهادی؛ «بزه پوشی»، فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۲۹ و ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
۱۳. طوسی، محسن؛ «آموزه‌های دینی و نظریه برچسب زنی - تحلیل محتوای گزاره‌های حدیثی»، فصلنامه علوم حدیث، سال پانزدهم، ش ۲ (پیاپی ۵۶)، تابستان ۱۳۸۶
۱۴. غفاری فر، حسن؛ «نظارت و کنترل اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۱
۱۵. غلامی، حسین؛ «تکرار جرم، چ ۳، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰
۱۶. کی نیا، مهدی؛ «مبانی جرم شناسی»، ج ۱، چ ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
۱۷. لوی برول، هانری؛ «جامعه شناسی حقوق»، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، چ ۳، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶
۱۸. مرادی، فرزانه؛ «داد و ستد اتهامی در فرآیند دادرسی با تأکید به نظام حقوقی ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ۱۳۹۱
۱۹. مقدسی پور، علی؛ «روش‌های برخورد تربیتی بهینه با مجرم»، ماه نامه معرفت،

ش ۹۲، مرداد ۱۳۸۴

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «تقریرات درس جرم شناسی (کنترل اجتماعی جرم و واکنش اجتماعی)»، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، به کوشش عباس تدین، ۱۳۸۱

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید؛ «دانشنامه‌ی جرم شناسی»، چ ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰

۲۲. وایت، راب، هینز، فیونا؛ «جرم و جرم شناسی»، ترجمه سلیمی، چ ۳، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶

۲۳. ولد، جرج، برنارد، توماس، اسنیپس، جفری؛ «جرم شناسی نظری»، ترجمه علی شجاعی، چ ۳، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸

۲۴. ویلیامز، فرنک پی و مک شین، ماری لین دی؛ «نظریه‌های جرم شناسی»، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چ ۱، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۳

۲- لاتین

۱. Carrabine, Eamonn, Cox, Pam, Lee, Maggy, Plummaer, Ken and South, Nige ۱; "Criminology", Second edition, London and New York, Routledge Publishing, ۲۰۰۹

۲. Plummer, Ken; "Labeling Theory"

۳. See, Eric, "student study Guide Ronaidl. Akers and Christine seller s Criminological Theories", Fourth Edition, Los Angeles, California, Roxbury Publishing Company, ۲۰۰۴

۴. Hamlin, John; "Labeling Throrycsocial Theory) Department of Sociology and Anthropology Retrieved, December ۱۷, ۲۰۰۹

۵. Ascani, Nathaniel, "Labeling Theory and Effects of Senctioning on Delinquent Peer Association: A new Approach to sentencing Juveniles" in the perspectives, university of New Itampshire s undergra duate Sociology journal, ۲۰۱۲

۶. Aclaughlin, Eugene and Muncie John, "The sage Dictionary of Criminology, First Published, London, Sage Publishing, ۲۰۰۱

بزه پوشی و تاثیر آن در پیشگیری از انحرافات
ثانویه..... ۲۲

See: <http://www.d.umn.edu/>.

See: <http://www.sjsu.edu/people/james.lee/courses/soci۱۵۲/s۱/ajreading۱۲labeling.Pdf>

